

متن پرسش

سلام علیکم: استاد عزیز، واقعا از پاسخ دقیق و جانانه ۲۷۶۲۶ حضرتعالی و این نگاه تان به مسئله مسرور و خوشحال شدم و اینکه فرمودید امروز اگر کسی راه اشارات شهیدان سلیمانی و آوینی را درنیابد و خود را در آن نبیند، چه میزان از عالم انسان حقیقی و عالم انسان متعالی در این عصر دور است. حقیقتش این است که اگر افرادی امثال آن مطالب را که شما در همانجا به آن پاسخ دادید را می نویسند، این است که به عالم انقلاب و طرح بزرگ انقلاب نظر نشده و فوقش مانند بسیاری تحلیلگران و سیاسیون ویژه غربی فکر می شود انقلاب یک کشور مستعمره و دنیای سوم (که دقیقا همین تقسیم بندی غرب درباره جهان و کشورها را هم پذیرفته اند) بوده و می توان بیاییم مبانی توسعه و رهاوردهای غرب ویژه تکنولوژی را دنبال کنیم و حتی در قواعد جامعه سازی و دولت شهرها هم به آنها نظر کنیم، در عین حال توجه به حکمت شیعی و شریعت هم بکنیم و مثلا در این حد مراقب باشیم که احکام اسلام نقض نشود و رسما در جامعه با انقلاب و ولایت فقیه مخالفت نشود و آنها را پذیرفت. حتی این نگاه می تواند تا جایی برسد که نهایتا بگوید ما باید کشور اسلامی باشیم و بپذیریم در چارچوب همین قواعد کشورها حاضر شویم با شرایع اسلامی ولی اگر انقلاب باشد، هزینه زایی می شود و مگر خروج از قواعد عالم مدرن، کار سهل و راحتی است و چقدر می تواند ظرفیت ها را درگیر کند. در صورتیکه خود امام هم از همان سال ۴۲ متوجه بود که چکار عظیمی دارد می شود و هدفش هم یک حرکت بزرگ بین المللی برای عبور از مدرنیته بسمت تمدن نوین اسلامی و مملکت مهدوی است و کار ما در این حد نیست که حالا حکومت بنام اسلام و تعهد به احکامش شول بگیرد ولی باز هم ما خود را ذیل دولت شهرهای مدرن تعریف کنیم و بگوییم ما می خواهیم کشور اسلامی باشیم که در عین حال هویت ملی هم دارد. امام وقتی می گفت ما برآنیم تا پرچم لا اله الا الله که پرچم عزت و کرامت انسانهاست را بر سطح قتل عالم برافرازیم نظر داشت حرکتش جهانی و عبور از مدرنیسم است کما اینکه خود ایشان گفته بودند طلوع تجدد، غروب اسلام است. اینکه بعضی متاسفانه می خواهند ایران هم کشوری باشد مثل بعضی دیگر کشورهای اسلامی که نام اسلام را یدک می کشند و توجه به مناسک دارند ولی نهایتا با تمام مظاهر دنیای مدرن و لیبرالیسم کنار آمده اند و اساسا حرفی برای زدن و قد علم کردن ندارند و حتی خود را ذیل همان قواعد سیاسی رایج مدرنیته می بینند و اینکه این افراد می گویند تا کی می خواهیم با استکبارستیزی برای خود هزینه زایی کنیم و بجای نقد دولت های غربی بیاییم مقابل مدرنیته بایستیم و مدام خود را مقابل آن قرار دهیم و برای ملت و کشور مشکل درست کنیم، دقیقا ناشی از عدم فهم هندسه انقلاب و منظومه فکری امام است و اینکه

می‌خواهند انقلاب را از شان تمدن سازی تقلیل دهند. ولی وقیقا داریم می‌بینیم انقلاب در حال حرکت بسمت همان هندسه اصیلش هست و حتی مشکلات امروز هم در نگاه تمدنی، اتفاقات و مشکلاتی است که اتفاقا در تمدن سازی پیش می‌آید و حتی خود مدرنیته برای اینکه برود بسمت جامعه سازی و تمدن هم با آن مواجه شد و تمدن سازی خب با آن عجین است. انقلاب امروز رسما پرچم تمدنی است که مقابل مدرنیته و نئولیبرالیسم بلند شده و متاسفانه برخی بجای اینکه هر چه بیشتر انقلاب را در مسیر تمدنی اش پیش ببرند و آرمانشان تمدن نوین اسلامی باشد، به رویکرد های دیگر رفته اند البته که چه بخواهند چه نخواهند حکایت همانی است که شهید آوینی می‌گفت: بعثت تاریخی انسان در وجود مردی چون حضرت امام خمینی (ره) برای من کافی بود تا باور کنم که عصر تمدن غرب سپری شده است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بخواهیم یا نخواهیم تاریخی شروع شده که تقابل جبهه‌ی توحید و جبهه‌ی استکبار است و در شرایطی نیستیم که راه میانه‌ای را در پیش گیریم. آن‌هایی که راه میانه را در پیش گرفته‌اند خواسته یا ناخواسته نسبت به حرکت توحیدیِ زمانه‌ی خود بی‌تفاوت می‌باشند و این در حالی است که خداوند نسبت به حق و باطل بی‌تفاوت نیست. نمی‌خواهم بگویم همه باید مانند شهید قاسم سلیمانی یا سید حسن نصرالله عمل کنند، ولی حدّ اقل آن است که خود را در آن جبهه احساس نمایند حتی در حدّ تأییدنکردن تبلیغات کفر جهانی که جنابعالی در نوشته‌ی خود بسیار خوب متذکر آن شدید. موفق باشید